



دفترچه سوال رسمی آزمون
واحد سنجش و ارزیابی باشگاه دانش‌پژوهان جوان

باسمه تعالی
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
باشگاه دانش‌پژوهان جوان

کد دفترچه : ۲

علم برای یک ملت مهم‌ترین ابزار آبرو، پیشرفت و اقتدار است. «امام‌خاندان‌ای (ره)»

دفترچه سؤالات مرحله دوم سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵

سی و نهمین دوره المپیاد ادبی

نوع آزمون: چندگزینه‌ای	مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه
تعداد سؤالات: ۱۰۰	

آرام بخش دل‌ها یاد اوست.

توضیحات مهم

- ۱- بلافاصله پس از آغاز آزمون، تعداد سؤالات داخل دفترچه و همه برگه‌های دفترچه سؤالات را بررسی نمایید. در صورت هرگونه نقص در دفترچه، در اسرع وقت مسئول جلسه را مطلع کنید.
- ۲- یک برگ پاسخ‌برگ در اختیار شما قرار گرفته که مشخصات شما بر روی آن نوشته شده است. در صورت نادرست بودن آن، در اسرع وقت مسئول جلسه را مطلع کنید. ضمناً مشخصات خواسته شده در پایین پاسخ‌برگ را با مداد مشکی بنویسید.
- ۳- برگه پاسخ‌برگ را دستگاه تصحیح می‌کند؛ پس آن را تا نکنید و تمیز نگه دارید و به علاوه، پاسخ هر پرسش را با مداد مشکی نرم در محل مربوط علامت بزنید. لطفاً خانه مورد نظر را کاملاً سیاه کنید.
- ۴- دفترچه سؤال باید همراه پاسخ‌برگ تحویل داده شود.
- ۵- پاسخ درست به هر پرسش ۳ نمره مثبت و پاسخ نادرست ۱ نمره منفی دارد.
- ۶- شرکت‌کنندگان در دوره تابستانی از بین دانش‌آموزان دهم و یازدهم انتخاب می‌شوند.
- ۷- از مخدوش کردن بارکدها و مربع‌ها در چهارگوشه صفحه در دفترچه پاسخ‌برگ جداً خودداری کنید. در غیر این صورت برگه شما تصحیح نخواهد شد.
- ۸- همراه داشتن هرگونه کتاب، جزوه، یادداشت و لوازم الکترونیکی نظیر تلفن همراه، ساعت هوشمند، دستبند هوشمند و لپ‌تاپ ممنوع است. همراه داشتن این قبیل وسایل حتی اگر از آن استفاده نکنید یا خاموش باشد تقلب محسوب خواهد شد.
- ۹- این دفترچه شامل ۱۰۰ پرسش و با احتساب جلد ۱۴ برگ است.

کلیه حقوق این سؤالات برای باشگاه دانش‌پژوهان جوان محفوظ است.

آدرس سایت اینترنتی: ysc.medu.gov.ir



۱. کدام بیت قافیه میانی دارد؟

- ۱) همه عزى و جلالى همه علمى و يقينى / همه نورى و سرورى همه جودى و جزاى
- ۲) همه درگاه تو جويم همه از فضل تو پويم / همه توحيد تو گويم که به توحيد سزايى
- ۳) همه غيبى تو بدانى همه عيبى تو بپوشى / همه بيشى تو بکاهى همه کمى تو فزايى
- ۴) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجى / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نيابى

۲. کدام یک از واژه‌های زیر معادل یک وام‌واژه نیست؟

- ۱) هواپیما
- ۲) گذرنامه
- ۳) بسامد
- ۴) عینک

۳. ممیز در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) یک دست فنجان
- ۲) سه حلقه چاه
- ۳) پنج رأس پلنگ
- ۴) دو تخته فرش

۴. متن زیر نقل قول عطار از ابراهیم ادهم است. جاهای خالی با کدام گزینه به درستی پر می‌شود؟

«گفت: سه مرکب دارم باز بسته؛ چون نعمتی پدید آید بر مرکب ... نشینم و پیش او باز شوم و چون بلایی پدید آید، بر مرکب ... نشینم و پیش بازروم و چون طاعتی پدید گردد، بر مرکب ... نشینم و پیش روم.»

- ۱) قدر، توکل، رضا
- ۲) وقت، کشف، خضوع
- ۳) منت، سکوت، خشیت
- ۴) شکر، صبر، اخلاص

۵. بر اساس توصیف وادی‌های عرفان در منظومه *منطق الطیر*، کدام گزینه اشتباه است؟

- ۱) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است: حیرت
- ۲) هر یکی بینا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت صدر خویش: معرفت
- ۳) صد هزاران سایه جاوید تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو: فقر و فنا
- ۴) روی‌ها چون زین بیابان درکنند / جمله سر از یک گریبان برکنند: توحید

۶. توضیح کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) تنها همان رتبه‌های بالا را وعده بگیر: فقط افراد رده‌بالا را دعوت کن.
- (۲) باید در این موقع درست جلوشان درآیی: باید در این موقع پذیرایی خوبی از آنها بکنی.
- (۳) رفته‌رفته سر دماغ آمدم: کم‌کم متوجه شدم.
- (۴) پسرعموی دختردایی خاله مادرم می‌شد: پسردایی مادر بزرگم بود.

۷. کدام گزینه دادائستی است؟ سه متن دیگر، سوررئالیستی هستند.

- (۱) در جنگلی از استخوان‌های مرم‌مر، درختی با ریشه‌های شعر رشد می‌کرد. پرنده‌ای با بال‌های شیشه‌ای روی شاخه می‌نشست و زمان را مثل تخم‌مرغ می‌شکست تا درونش کهکشانی از ستاره‌های مرده بریزد. روز مانند بیماران رنگ‌پریده بود.
- (۲) میز ناهارخوری روی سقف اتاق شناور بود. گربه‌ای که روی سرش یک تلفن قدیمی داشت، گوشه‌ای نشسته بود و با شماره‌های ناموجود با مرده‌ها صحبت می‌کرد. باران از پایین به بالا می‌بارید و باد بوی نان سوخته کودکی را با خود می‌آورد.
- (۳) در عمق آینه‌ای شکسته، زنی با موهایی از جنس دود ایستاده بود و گردنبندی از ساعت‌های ذوب‌شده را به گلو آویخته بود. ماهی‌هایی که از چشمانش بیرون زده بودند، به زبان فراموش‌شده باد او را می‌ستودند و سرخی لبانش می‌شدند.
- (۴) صندلی سیاه بر فراز فیل، دراز افتاده بود. رنگین‌کمان قیچی در دست داشت و انفجارها را مثل گل‌های کاغذی پخش می‌کرد. بوی جوراب از آگروز بیرون خواهد زد؛ اما یک کیلو عدس فریاد می‌زند بله، زیرا، تی‌شرت، شاید. وقتی زنبور داخل ماشین حساب لانه می‌کند، آرامش روی لبه جنگ تمام می‌شود ولی هیچ‌کس هنوز خبر نمی‌رہاند.

۸. نقیضه (Parody) در اصطلاح تقلید طنزآمیز از یک اثر، یک سبک یا مجموعه‌ای از آثار است.

کدام یک از آثار زیر نوعی نقیضه شمرده می‌شود؟

- (۱) ده‌نامه
- (۲) لوایح
- (۳) رساله صد پند
- (۴) سبع‌المثانی

۹. کدام گزینه درباره تأثیر و تأثر ادبی شاعران از یکدیگر صحیح نیست؟

- (۱) یکی از الگوهای مشتاق اصفهانی در شاعری کلیم کاشانی بوده است.
- (۲) عبید زاکانی و سیف فرغانی به شعر سعدی نظر داشته‌اند.
- (۳) سعدی بر شعر هاتف اصفهانی و قآنی اثر داشته است.
- (۴) حافظ از کمال‌الدین اصفهانی و سلمان ساوجی تأثیر پذیرفته است.

۱۰. کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) آذر بیگدلی و وحشی بافقی هردو اثری به نام «فرهاد و شیرین» دارند.
- (۲) جامی و آذر بیگدلی هردو اثری به نام «یوسف و زلیخا» دارند.
- (۳) جامی و نظامی هردو اثری به نام «لیلی و مجنون» دارند.
- (۴) عبید زاکانی و عراقی هردو اثری به نام «عشاق نامه» دارند.

۱۱. کدام گزاره درباره زبان فارسی نو نادرست است؟

- (۱) در فارسی، هیچ هجایی با مصوت آغاز نمی شود.
- (۲) کمیت مصوت /آ/ در نظم شعر کلاسیک فارسی ثابت نیست.
- (۳) در زبان فارسی «ابتدا به ساکن» وجود ندارد.
- (۴) در شعر فارسی، دو مصراع در هر بیت از حیث تعداد هجا و ترتیب کمیت ها برابرند.

۱۲. در کدام بیت، تمام نون های ساکن اصطلاحاً از تقطیع ساقط می شوند؟

- (۱) وز قران خاک با باران ها / میوه ها و سبزه و ریحان ها
- (۲) جهان از قیروان تا چین داری / به هر کامی که خواهی کامگاری
- (۳) وان زنخدان به سیب ماند راست / اگر از مشک، خال دارد سیب
- (۴) هر دو بر یک تخته ای درماندند / تخته را آن موج ها می راندند

۱۳. کدام بیت از لحاظ وزنی درست است؟

- (۱) یارب روا مدار که گدا معتبر شود / گر معتبر شود ز خدا بی خبر شود
- (۲) نه فریب است در عشقش نه فسون / خواستار رخ زیباست بسی
- (۳) سرو خواهد که به بالای تو ماند مسکین / کاین همه مشق کند شوخی و رعنایت را
- (۴) دیده از سوز دل خواب رفته / دل ز غوغای دو دیده رسته

۱۴. گزینه های زیر چهار مصراع یک رباعی را تشکیل می دهند. کدام مصراع از این رباعی اختیار**قلب دارد؟**

- (۱) ما این همه غم با که گساریم آخر؟
- (۲) وین غصه دمی با که برآریم آخر؟
- (۳) کس نیست که با او نفسی بتوان زد
- (۴) تنها همه عمر چون گذاریم آخر؟

۱۵. کدام بیت «ذو بحرین» است؟

- (۱) ابر اگر چون کف تو بخشدی / دیده نرگس همه بیناستی
- (۲) خشم نبوده ست بر اعداش هیچ / چشم ندیده ست بر ابروش چین
- (۳) طایع فرمان تو گشته قضا / تابع پیمان تو گشته قدر
- (۴) هست سرشته دل و جان و تنش / از کرم و از خرد و از گهر

۱۶. کدام موارد، به ترتیب، مصداقی برای «مستزاد»، «بحر طویل»، «شعر نیمایی» و «شعر آزاد بی وزن» هستند؟ (ویرگول و نشانه تفکیک مصراع‌ها از متن شعرها حذف شده است)

الف. پسر خوبم ماهان پاشو برو آن کوچه پایینی خانه‌ای هست که سکو دارد پیرمردی لاغر می‌بینی روی سکوئی دم خانه نشسته‌ست

ب. تو فرازی و فرودی که برآیی ز پس پرده هر بربط و عودی که به خنیاگری این عاشق دلخسته در آغوش کشیده

پ. و ایشان را تا در خود بازنگریستند جز باد هیچ به کف اندر نبود جز باد و به جز خون خویشتن

ت. یاد باد آن باغبان کز کینه آتش درفکند در فضای این چمن وان نسیم مهرگانی کآمد و از بیخ کند لاله و سرو و سمن

(۱) ت، ب، پ، الف

(۲) ت، ب، الف، پ

(۳) ب، ت، پ، الف

(۴) ب، ت، الف، پ

۱۷. وزن کدام بیت می‌تواند دوری باشد؟

- (۱) شور تو، آواز تویی، بلخ تو، شیراز تویی / جاذبه شعر تو و جوهر عرفان همه تو (حسین منزوی)
- (۲) تنهایی‌ام را با تو قسمت می‌کنم سهم کمی نیست / گسترده‌تر از عالم تنهایی من عالمی نیست (محمدعلی بهمنی)
- (۳) باید افسانه گفت از دیگر رستمی / اینجا گر رستمی رخی اما کجا (سیمین بهبهانی)
- (۴) با چون منی نازک خیال ابرو کشیدن از ملال / زشت است ای وحشی غزال اما چه زیبا می‌کنی (شهریار)

۱۸. کدام بیت مدحی نیست؟

- (۱) ولی چون روی او بیند فزون سازد خدا عمرش / وگرچه زین جهان تا آن جهانش یک زمان باشد
- (۲) روز میدان گر تو را نقاش چین بیند به رزم / خیره گردد شیر بنگارد همی جای سوار
- (۳) اگر بر چیز بخشیده ز بخشنده نشان بودی / نبینی هیچ دیناری کزو بی صد نشان باشد
- (۴) نه بادست و به رفتن همسر باد سبک باشد / نه پیلست و به بالا همبر پیل ژیان باشد

۱۹. در کدام گزینه، ویژگی متفاوتی از ممدوح ستایش شده است؟

- (۱) و خیال تیغ تو اندر بیابان بگذرد / از بیابان تا به حشر الماس برخیزد غبار
- (۲) به جز دریا نخواندی کس کف گوهرفشانش را / اگر نزهت بهر آن بودی که دریا را کران باشد
- (۳) ابر بهاری جز آب تیره نبارد / او همه دیبا به تخت و زر به انبان
- (۴) گر نسیم جود تو بر روی دریا بروزد / آفتاب از روی دریا زر برانگیزد بخار

۲۰. کدام بیت، بیت تخلص از یک قصیده است؟

- (۱) داغگاه شهریار اکنون چنان خرم بود/ کاندرا او از نیکوی حیران بماند روزگار
- (۲) در آب و آتش راندم همی و گشت مرا/ به مدح شاه چو دیبای ششتر آتش و آب
- (۳) همی تا در جهان از دولت عالی اثر باشد/ یمین دولت عالی خداوند جهان باشد
- (۴) نیست شگفتی که رودکی به چنین جای/ خیره شود بی‌روان و ماند حیران

۲۱. کدام گزینه درباره قصیده «مادر می» درست است؟

- (۱) ابیات به جای مانده آن نشان می‌دهد که رودکی در جوانی آن را سروده است.
- (۲) زبان بسیار کهنه‌ای دارد و نیمی از ابیات آن از دست رفته است.
- (۳) کهن‌ترین خمربه مفصل فارسی است که به دست ما رسیده است.
- (۴) نخستین قصیده‌ای است که به زبان فارسی سروده شده است.

۲۲. بیت‌های زیر مربوط به کدام واقعه‌اند؟

«لشکری بینم سرگشته سراسیمه شده/ چشمها پر نم و از حسرت و غم گشته نزار
این همان لشکریانند که من دیدم دی؟!/ وین همان شهر و زمین است که من دیدم پار؟»

- (۱) قحطی بزرگ غله
- (۲) حمله سلجوقیان
- (۳) اعدام حسنک وزیر
- (۴) مرگ سلطان محمود

۲۳. کدام واژه بیت زیر را تکمیل می‌کند؟

«نه هرکس کو به ملک اندر مکین باشد ملک باشد/ نه نیلوفر بود هر گل که اندر ... باشد»

- (۱) هر مکان
- (۲) گلستان
- (۳) آبدان
- (۴) سیستان

۲۴. مصرع دوم بیت زیر کدام گزینه می‌تواند باشد؟

«هرروز بامداد بر این کوهسار تند/ ...»

- (۱) از باغ بخت نو کندم هر زمان بلا
- (۲) ابری به سان طور زیارت کند مرا
- (۳) روز و شب ولی و عدو دارد استوا
- (۴) روزی به یک صقال به جای آید این مضا

۲۵. در کدام گزینه «آتش و آب» بخشی از لفونشر نیستند؟

- (۱) نبست راهش هرگز بلا و فتنه چنانک/ نبست هرگز راه سکندر آتش و آب
- (۲) بسا شبا که در او رشک برد و رنگ آورد/ ز گونه می و از لون ساغر آتش و آب
- (۳) بسا فراوان روزا که از سراب و سموم/ گرفت روی همه دشت یکسر آتش و آب
- (۴) به حرق و غرق تن و جان دشمنت بادند/ تو را به طبع مطیع و مسخر آتش و آب

۲۶. در کدام گزینه واژه مشخص شده نام مکانی جغرافیایی نیست؟

- (۱) طلعت تابنده تر ز طلعت خورشید/ نعمت پاینده تر ز جودی و تهلان
- (۲) فر بدو یافت ملک تیره و تاری/ عدن بدو گشت نیز گیتی ویران
- (۳) انده ده ساله را به طنجه رماند/ شادی نو را ز ری بیارد و عمان
- (۴) گرچه به هنگام حلم کوه تن او/ کوه سیام است که کس نبیند جنبان

۲۷. کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) بسیلی ماند ار مر سیل را یشک و سرو باشد/ بکوهی ماند ار مر کوه را جان و روان باشد: وصف کرگ
- (۲) بتن بر پوست چون بینی ورا برگستوان باشد/ که دید آن جانور کو را به تن برگستوان باشد: وصف اسب
- (۳) بنازد گوهر پولاد بر هر گوهر و زبید/ بدان مفخر که از پولاد رمحش را سنان باشد: وصف نیزه
- (۴) خدنگش تیزرو پیکی که از رفتن نیاساید/ ولیکن منزلش تا باشد اندر استخوان باشد: وصف تیراندازی

۲۸. با توجه به ابیات زیر، کدام صفت ساخت متفاوتی دارد؟

- «اندر آن دریا سماری وان سماری جانور/ وندر آن گردون ستاره وان ستاره بیمدار
هر کجا کهسار باشد آن سماری کوهبر/ هر کجا خورشید باشد آن ستاره سایه دار
معجزه باشد ستاره ساکن و خورشیدپوش/ نادره باشد سماری که بر و صحراگذار»
- (۱) که بر (۲) خورشیدپوش (۳) سایه دار (۴) بیمدار

۲۹. با توجه به مضمون و لحن ابیات ذکر شده کدام بیت می تواند دنباله مناسب تر و منطقی تری برای**بیت زیر باشد؟**

«گفت هان ای سخرگان گفت وگو/ وعظ گفتار زبان و گوش جو»

- (۱) گر امینم متهم نبود امین/ گر بگویم آسمان را من زمین
- (۲) ما نبودیم و تقاضامان نبود/ لطف تو ناگفته ما می شنود
- (۳) جان و دل را طاقت آن جوش نیست/ با که گویم در جهان یک گوش نیست
- (۴) پنبه اندر گوش حس دون کنید/ بند حس از چشم خود بیرون کنید

۳۰. کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) ما چو چنگیم و تو زخمه می زنی / زاری از ما نی تو زاری می کنی
 ما چو ناییم و نوا در ما ز تست / ما چو کوهیم و صدا در ما ز تست: تمثیلی در بیان اعتقاد به جبر
- (۲) گفت استاد احوالی را کاندرا / رو برون آراز وثاق آن شیشه را
 گفت احوال زآن دو شیشه من کدام / پیش تو آرم بکن شرح تمام: تمثیلی در بیان دیدن اختلاف در راه و روش
 انبیا
- (۳) ما درین انبار گندم می کنیم / گندم جمع آمده گم می کنیم
 می نیندیشیم آخر ما بهوش / کین خلل در گندمست از مکر موش: تمثیلی در بیان تصرفات نفس در باطن
 سالک
- (۴) مرغ پر نارسته چون پران شود / لقمه هر گربه دران شود
 چون بر آرد پر بپرد او بخود / بی تکلف بی صغیر نیک و بد: تمثیلی در بیان نیاز سالک مبتدی به پیر

۳۱. در بخش «تخلیط وزیر در احکام انجیل» و طومار نوشتن به دوازده امیر مسیحیان، گویی مولانا ضمن بازگو کردن محتوای هر طومار عقاید گروه‌های مختلف متصوفه را بیان می کند. شرح مناسب ابیات زیر کدام گزینه است؟

- «در یکی گفته مکش این شمع را / کین نظر چون شمع آمد جمع را
 از نظر چون بگذری و از خیال / کشته باشی نیمشب شمع وصال»
- (۱) رد عقیده بی فایده بودن علم بحثی و استدلال
 (۲) رد عقیده سقوط تکلیف در نتیجه عجز بنده
 (۳) اثبات عقیده ضروری بودن پیر و مرشد
 (۴) اثبات عقیده ترجیح رضا بر توکل

۳۲. با توجه به داستان وزیر تلبیس کار پادشاه جهود، ضمیر «این» در بیت اول قطعه زیر به کدام گزینه برمی گردد؟

- «بهر «این» بعضی صحابه از رسول / ملتمس بودند مکر نفس غول
 کو چه آمیزد ز اغراض نهان / در عبادتها و در اخلاص جان
 فضل طاعت را نجستندی ازو / عیب ظاهر را نجستندی که کو»
- (۱) این جسد خانه حسد آمد بدان / کز حسد آلوده باشد خاندان
 (۲) در میان شاه و او پیغامها / شاه را پنهان بدو آرامها
 (۳) او بیان می کرد با ایشان به راز / سر انگلیون و زنار و نماز
 (۴) غار با او یار با او در سرود / مهر بر چشمست و بر گوشت چه سود

۳۳. توضیح مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) مر جمادی را کند فضلش خبیر/ عاقلان را کرده قهر او ضریر (همه چیز حتی اشیا با عنایت خداوند کار خود را می‌کنند و گویی آگاهی دارند ولی انسانی که عقل را به کار می‌گیرد، گویی نابینایی است که چشم خداوند او را فراگرفته است)
- (۲) نیست یکرنگی کزو خیزد ملال/ بل مثال ماهی و آب زلال (هیچ کس از انسان‌های صادق به ستوه نمی‌آید، همان‌گونه که ماهی از آب زلال سیر نمی‌شود)
- (۳) با چنین غالب خداوندی کسی/ چون نمیرد گر نباشد او خسی (در برابر چنین خداوندی که بر همه چیز چیره است، اگر کسی فنا نشود، نشانه بی‌ارزشی او است)
- (۴) این ثنا گفتن ز من ترک ثناست/ کین دلیل هستی و هستی خطاست (باید در ممدوح فنا شد و حتی ثنا گفتن بر او هم نشانه فنا نشدن در اوست و ارزش چندانی ندارد)

۳۴. در زیر، حکایتی را از روضه العقول می‌خوانید. این حکایت در مثنوی معنوی هم آمده است. کدام گزینه جزو تفاوت‌های دو روایت نیست؟

- «شخصی بود به سماحت معروف و از سماجت مصروف، به سخاوت مرصد کرام شده و به ضیافت مقصد انام گشته. روزی او را مهمانی رسید... و آن شخص را در خانه یک صراحی شراب بود. به حکم استعداز، مهمان را گفت که امسال درین شهر شراب موجود نیست؛ اما ما را صراحی‌ای هست. در خدمت تو احتسا رود تا به مفاکحت تو استراحت زیادت گردد. و او را پسری بود احول. فرمود که صراحی شراب بیار. پسر در خانه رفت. از آنجا که احول یکی را دو بیند، پدر را گفت که ازین دو صراحی کدام آرم؟ پدر را از گفت او تشویر حاصل شد. از سر تهوّر و تغیر پسر را گفت: یکی را بشکن و دیگر را بیار. پسر یکی را بشکست، آن دیگر معدوم شد. پدر را گفت: یکی را بشکستم، آن دیگر نماند. پدر را معلوم شد که آن حکم خطا فرمود. او را می‌بایست گفتن که آن یکی را نخست بیار، و آن دیگر را بشکن. ندامت عاقبت و تحسّر خاتمت مفید نیامد. این حکایت از آن اعادت افتاد که جایی که چنین خطا از مشاهده افتد، از فکر ت بیش از آن توقع باید داشت. اقتضای رای وزین آن است که درین حادثه ملمّ و واقعه مظلم صبر را حلیت حالت سازی.»
- (۱) پیرنگ اصلی هر دو داستان یکسان است.
- (۲) هر دو مؤلف این حکایت را در اثبات یک عقیده واحد آورده‌اند.
- (۳) در بدنه حکایت، جزئیات روایت روضه العقول در مثنوی وجود ندارد.
- (۴) در مقدمه حکایت، بخشی از روایت مثنوی در روضه العقول نیامده است.

۳۵. توضیح کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) می سرخ از بساط سبزه می خورد/ چنین تا پشت بنمود این گل زرد (تا غروب آفتاب در سبزه‌زار می‌گساری می‌کرد)
- (۲) مگر کز توسنانش بدلگامی/ دهن بر کشته‌ای زد صبح بامی (هنگام صبح یکی از سوارانش به مزرعه‌ای تجاوز کرد)
- (۳) خرابی داشت از کار جهان دست/ جهان از دستکار این جهان رست (جهان آباد شد و از ظلم و ستم رهایی یافت)
- (۴) که برگ هر غمی دارم درین راه/ ندارم برگ ناخوشنودی شاه (آمدگی هر اندوهی جز ناراحت کردن شاه را دارم)

۳۶. بیت زیر تمثیلی برای کدام بیت است؟

- «زند بر هر رگی فصاد صد نیش / ولی دستش بلرزد بر رگ خویش»
- (۱) نظامی بر سر افسانه شو باز / که مرغ پند را تلخ آمد آواز
 - (۲) ملک فرمود تا خنجر کشیدند / تکاور مرکبش را پی بریدند
 - (۳) گر این بیگانه‌ای کردی نه فرزند / ببردی خان و مانش را خداوند
 - (۴) سیاست بین که می کردند ازین پیش / نه با بیگانه با دردانه خویش

۳۷. کدام بیت از نظر معنایی / دستوری مستقل نیست؟

- (۱) به فرزندی که دولت بد نخواهد / جز اقبال پدر با خود نخواهد
- (۲) از آن سوی کهستان منزلی چند / که باشد فرضه دریای دربند
- (۳) اگر جرمیست اینک تیغ و گردن / ز تو کشتن ز من تسلیم کردن
- (۴) به پوزش پیش می رفتند پیران / پس اندر شاهزاده چون اسیران

۳۸. در کدام گزینه معنای حرف ربط «که» در آغاز مصراع دوم متفاوت است؟

- (۱) ز برقع نیستشان بر روی بندی / که نارد چشم زخم آنجا گزندی
- (۲) وزین شیوه سخنهایی برانگیخت / که از جانپوری با جان در آمیخت
- (۳) بر آخر بسته دارد رهنوردی / کزو در تک نیابد باد گردی
- (۴) قلمزن چابکی صورتگری چست / که بی کلک از خیالش نقش می رست

۳۹. «ریشه‌شناسی» شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعه منشأ و تاریخ و دگرگونی صورت و معنای واژه‌ها می پردازد. گاه اهل زبان ریشه یک واژه را بدون اطلاع از واقعیت‌های زبان‌شناختی و تنها از روی شباهت به صورت یا معنای واژه‌های دیگر تعیین می‌کنند که آن را «ریشه‌شناسی عامیانه» می‌نامیم. در کدام یک از ابیات زیر، نمونه‌ای از ریشه‌شناسی عامیانه دیده می‌شود؟

- (۱) رخس نسرين و بويش نیز نسرین / لبش شیرین و نامش نیز شیرین
- (۲) نهاده نام آن شبرنگ شب‌دیز / برو عاشق تر از مرغ شب‌آویز
- (۳) شمیرا نام دارد آن جهانگیر / شمیرا را مهین بانوست تفسیر
- (۴) ازان شد نام آن شهزاده پرویز / که بودی دایم از هرکس پرآویز

۴۰. با توجه به بخش منتخب از خسرو و شیرین، کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) شب از درویش بستد جای تنگش / به نامحرم رسید آوای چنگش: درباره شیرین
- (۲) زمانه‌گردش و اندیشه‌رفنار / چو شب کارآگه و چون صبح بیدار: درباره شب‌دیز
- (۳) بر آن صورت چو صنعت کرد لختی / بدوسانید بر ساق درختی: درباره شاپور
- (۴) زمین جو جو شده در زیر پایش / فلک را جو به جو پیموده رایش: درباره بزرگ‌امید

۴۱. کدام بیت در توصیف «صبح» است؟

- (۱) برون آمد ز پرده سحرسازی / شش اندازی به جای شیشه بازی
- (۲) چو سلطان در هزیمت عود می سوخت / علم را می درید و چتر می دوخت
- (۳) نهاد از حوصله زاغ سیه پر / به زیر پر طوطی خایه زر
- (۴) به زیر تخته نرد آبنوسی / نهان شد کعبتین سندروسی

۴۲. در کدام گزینه حسن تعلیل به کار نرفته است؟

- (۱) ز بس کاورد یاد آن نوش لب را / دهان پر آب شکر شد رطب را
- (۲) به ماتم داری آن کوه گلرنگ / سیه جامه نشسته یک جهان سنگ
- (۳) ز ماهش صد قصب را رخنه یابی / چو ماهش رخنه ای بر رخ نیابی
- (۴) ز لعلش بوسه را پاسخ نخیزد / که لعل ار واگشاید در بریزد

۴۳. معنای «یاوه» در همه ابیات مانند بیت زیر است، به جز ...

- «زبان مور به آصف دراز گشت و رواست / که خواجه خاتم جم یاوه کرد و بازنجست»
- (۱) اندر آن حمام پر می کرد طشت / گوهری از دختر شه یاوه گشت
 - (۲) عکس حکمت آن شقی را یاوه کرد / خود مبین تا برنیارد از تو گرد
 - (۳) چو با دیو دارد سلیمان نشست / کند یاوه انگشتری را ز دست
 - (۴) تا نوبهار رحمت درتافت اندر باغ جان / یا خار در گل یاوه شد یا جمله گل شد خار من

۴۴. آرایه های نوشته شده مقابل کدام گزینه تماماً صحیح است؟

- (۱) نزدیک شد آن دم که رقیب تو بگوید / دور از درت آن خسته مهجور نمانده است (ایهام تضاد - تشبیه)
- (۲) تو را ز کنگره عرش می زنند صغیر / ندانمت که در این دامگه چه افتاده است (تشبیه - تضاد)
- (۳) سنگ و گل را کند از یمن نظر لعل و عقیق / هر که قدر نفس باد یمانی دانست (تلمیح - حسن تعلیل)
- (۴) از آن به دیر مغانم عزیز می دارند / که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست (حسن تعلیل - استعاره)

۴۵. در تمام گزینه ها هر دو بیت نوعی ایهام یکسان دارند، به جز ...

- (۱) دلم ز نرگس ساقی امان نخواست به جان / چرا که شیوه آن ترک دل سیه دانست
- (۲) افسوس که شد دلبر و در دیده گریان / تحریر خیال خط او نقش بر آب است
- (۳) از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکر / زان رو که مرا در لب شیرین تو کام است
- (۴) تا به گیسوی تو دست ناسزایان کم رسد / هر دلی در حلقه ای در ذکر یارب یارب است
- (۳) به رغم مدعیانی که منع عشق کنند / جمال چهره تو حجت موجه ماست
- (۳) در کعبه کوی تو هر آن کس که در آید / از قبله ابروی تو در عین نماز است
- (۴) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست / گشاد کار من اندر کرشمه های تو بست
- (۴) بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است / بیار باده که بنیاد عمر بر باد است

۴۶. کدام بیت مشابهت مضمونی کلی با بیت «مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست / که به

پیمانه کشی شهره شدم روز الست» ندارد؟

- (۱) با محتسبم عیب مگوئید که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است
- (۲) عیبم مکن به رندی و بدنامی ای حکیم / کاین بود سرنوشت ز دیوان قسمتم
- (۳) حافظ به خود نپوشید این خرقة می آلود / ای شیخ پاکدامن معذور دار ما را
- (۴) ملامتم به خرابی مکن که مرشد عشق / حوالتم به خرابات کرد روز نخست

۴۷. در کدام گزینه نوعی هم‌نشینی و تناسب سنتی بین واژه‌های مشخص شده دیده نمی‌شود؟

- (۱) شدم ز دست تو شیدای کوه و دشت و هنوز / نمی‌کنی به ترحم نطق سلسله سست
- (۲) نخفته‌ام ز خیالی که می‌پزم شب‌هاست / خمار صدشبه دارم شرابخانه کجاست
- (۳) بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود / زین سیل دمام که درین منزل خواب است
- (۴) عقل دیوانه شد آن سلسله مشکین کو / دل زما گوشه گرفت ابروی دلدار کجاست

۴۸. توضیح کدام بیت نادرست است؟

(۱) چه ملامت بود آن را که چنین باده خورد / این چه عیبست بدین بیخردی وین چه خطاست: خطا ندانستن باده‌نوشی

- (۲) می بده تا دهمت آگهی از سرّ قضا / که به روی که شدم عاشق و از بوی که مست: مقدر بودن عشق
- (۳) حافظ چه شد ار عاشق و رند است و نظرباز / بس طور عجب لازم ایام شباب است: پشیمانی از عشق
- (۴) دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست / گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست: بهانه‌جویی معشوق

۴۹. آرایه ذکر شده برای کدام بیت نادرست است؟

- (۱) آن شد که بار منت ملاح بردمی / گوهر چو دست داد به دریا چه حاجت است: اسلوب معادله
- (۲) خیال روی تو در هر طریق هم‌ره ماست / نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست: متناقض‌نما
- (۳) شمع اگر زان رخ خندان به زبان لافی زد / پیش عشاق تو شبها به غرامت برخاست: حسن تعلیل
- (۴) کمر کوه کم است از کمر مور آنجا / ناامید از در رحمت مشو ای باده‌پرست: ایهام تناسب

۵۰. «تهکم» در لغت به معنای استهزا و «استعاره تهکمیه» در اصطلاح علمای بلاغت سخنی است

که برای استهزا در ضد معنای ظاهری یا مخالف آن استعمال شود. در کدام گزینه «دولت» کاربرد تهکمی دارد؟

- (۱) آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است / یا رب این تأثیر دولت در کدامین کوکب است
- (۲) چو ذره گرچه حقیرم ببین به دولت عشق / که در هوای رخت چون به مهر پیوستم
- (۳) بخت از دهان دوست نشانم نمی‌دهد / دولت خبر ز راز نهانم نمی‌دهد
- (۴) وصل تو اجل را ز سرم دور همی داشت / از دولت هجر تو کنون دور نماندست

۵۱. بین دو مصراع کدام بیت می توان «اما» گذاشت؟

- (۱) دایم ز خود سفر چو شرر می کنیم ما/ نقد حیات صرف سفر می کنیم ما
- (۲) وا می کنیم غنچه دل را به زور آه/ خون در دل نسیم سحر می کنیم ما
- (۳) سالی دو عید مردم هشیار می کنند/ در هر پیاله عید دگر می کنیم ما
- (۴) در پاکی گهر ز صدف برده ایم/ آبی که می خوریم گهر می کنیم ما

۵۲. کدام عبارت درباره شعر صائب نادرست است؟

- (۱) استفاده از زبان عامیانه
- (۲) استفاده فراوان از تمثیل
- (۳) تکرار قافیه در یک غزل
- (۴) انسجام معنایی بیت های غزل

۵۳. توضیح بخش مشخص شده کدام بیت نادرست است؟

- (۱) رسان به دامن صحرای بیخودی خود را/ که خانه دیده مورست در شب مهتاب: در شب مهتاب خانه تنگ و کوچک است.
- (۲) نالۀ ما حلقه در گوش اجابت می کشد/ کز سحرخیزان آن صبح بناگوشیم ما: امیدی به اجابت نالۀ سحرگاه ما نیست.
- (۳) به شب ز حلقۀ اهل گناه کن شبگیر/ دلی چو آینه داری به زنگبار مخسب: هنگام سحر حلقۀ گناهکاران را ترک کن.
- (۴) فلک ز کاهکشان تیغ بر کف استاده است/ به زیر سایۀ شمشیر آبدار مخسب: کهکشان مانند تیغی در دست فلک است.

۵۴. برداشت از کدام بیت نادرست است؟

- (۱) هرچند صائب می روم سامان نومیدی کنم/ زلفش به دستم می دهد سررشته آمالها: عاشق در معرض نومیدی است و زلف معشوق او را از نومیدی می رهاند.
- (۲) کار زنگار کند با دل چون آینه ام/ گرچه هست از دگران نقش و نگاری که مراست: شاعر صفای درون خود را مرهون هم نشینی با نیکان می داند.
- (۳) چو کوتاهی نبود در رسایی قسمت/ چرا دراز شود دست حاجتی که مراست: شاعر تکیه کردن بر تقدیر را مایۀ بی نیازی می داند.
- (۴) ز گرد لشکر بیگانه مملکت را نیست/ ز آشنایی مردم کدورتی که مراست: احساس کدورت شاعر از مردمان بیشتر از سیاهی گرد لشکر بیگانه بر مملکت است.

۵۵. در کدام بیت، شاعر به صورت ضمنی به رسمی کهن اشاره کرده است؟

- (۱) به هم چو شیر و شکر سنگ و شیشه می جوشند/ اگر برون نهم از دل محبتی که مراست
- (۲) تا کمر بستم غبار کاروان برجا نبود/ از کمین تا سر برآوردم شکار از دست رفت
- (۳) از قاصدان شنیدن پیغام دوستان/ گل را به دست دیگری از باغ چیدن است
- (۴) تو کز شراب حقیقت هزار خم داری/ به یک پیاله من خاکسار را دریاب

۵۶. در کدام گزینه، عبارت مشخص شده مشبه است؟

- (۱) یکی است چشم فروبستن و گشادن من/ به مرگ زندگی ام چون شرار نزدیک است
- (۲) از حرف خود به تیغ نگرديم چون قلم/ هر چند دل دونیم بود حرف ما یکی است
- (۳) آب خضر و می شبانه یکی است/ مستی و عمر جاودانه یکی است
- (۴) هر شب کواکب کم کند از روزی ما پاره‌ای/ هر روز گردد تنگتر سوراخ این غربال‌ها

۵۷. کدام جمله به دیدگاه شمس قیس در باب شاعری نزدیک تر است؟

- (۱) بعد از سرودن شعر، بهتر است شاعر ابیات را به ترتیبی که سروده، نگه دارد.
- (۲) بعد از سرودن شعر، بهتر است شاعر صنایع معنوی را بیش از صنایع لفظی در کار کند.
- (۳) پیش از آغاز شاعری، شاعر باید معانی شعر را به نثر در ذهن خود آماده کند.
- (۴) پیش از آغاز شاعری، شاعر باید سخت‌ترین قوافی را انتخاب کند و به ذهن بسپارد.

۵۸. کدام گزینه درباره شیوه نگارش خاتمه کتاب *المعجم درست* است؟

- (۱) مؤلف به اشعار دیگران استناد کرده است و شعری را به نام خود در پایان کتاب نیاورده است.
- (۲) نثر مؤلف به سیاق نوشته‌های علوم ادبی، خشک است و طنز یا خیال در آن جایی ندارد.
- (۳) مؤلف کوشیده است نظر شخصی ندهد و فقط به توصیف علمی قاعده‌ها و مثال‌ها بپردازد.
- (۴) شمس درباره شعر و نثر به یک اندازه سخن گفته و مثال‌هایش از هر دو نوع تقریباً به یک میزان است.

۵۹. جای خالی در کدام گزینه می‌تواند با واژه پیشنهاد شده پر شود؟

- (۱) و تا [شاعر] خطا و صواب آن را به طریق استرشاد نشنود، آن را بر ... عرض عامه نشاناند. (فراغت)
- (۲) [شاعر] باید که در ... سخن و اسالیب شعر از طریق افاضل شعرا عدول ننماید. (اوابد)
- (۳) گاه‌گاه دو اسب می‌افتد که هرچه نشان ... است در هر دو می‌یابیم. (افانین)
- (۴) [شاعر] باید کی در الفاظ و معانی هر بیت دقایق ... به جای آرد. (تنوق)

۶۰. کدام اصطلاح ادبی نسبت دو بیت زیر را با هم بیان می‌کند؟

- الف: نشست‌ها ز قدم تا سر اندر آتش و آب/ توان نشستن ساکن چنین در آتش و آب (مسعود سعد)
ب: بتی که گر فکند یک نظر بر آتش و آب/ شود ز لطف جمالش مصور آتش و آب (سنایی غزنوی)

(۱) مجابات

(۲) تضمین

(۳) انتحال

(۴) المام

۶۱. کدام گزینه مناسب نقد زیر به قلم شمس قیس دربارهٔ رباعیات است؟

«و به همه وجوه توافق ابیات و مصاربع و تطابق الفاظ و معانی لازم دارد، چه بسیار باشد که دو مصراع یا دو بیت با یکدیگر از راه معنی متناسب نیاید و بدان سبب رونق شعر باطل گردد... و این معنی در رباعیات بیشتر افتد که شاعر را معنی خوش در خاطر آید و بیشتر چنان بود که آن را بیت آخر سازد، پس اولی را بدان الحاق کند و در آن از تناسب لفظ و تجاوب معنی غافل باشد.»

- (۱) کردی تن من کمان به بازی بازی / از بس که در او تو تیر مژگان سازی / ترکان همه تیر از کمان اندازند / پس چون که تو تیر در کمان اندازی
- (۲) هر دم ز تو دل با دم سردی بوده ست / وز جام تو جرعه‌ای و مردی بوده ست / معذورم اگر دردسری دادم از آنک / آن درد سرم از سر دردی بوده ست
- (۳) گفتمی که دوتا چرا شود قامت مرد / زیرا که ز گوهر جوانی شد فرد / و آنرا که بیوفتاد چیزی از دست / پشت از پی جستنش دوتا باید کرد
- (۴) شادی ز دلم برایگان اخرج / چون سودی نیست بر زبان اخرج / چون لشکر غم ولایت دل بگرفت / او سلطانست به یک زمان اخرج

۶۲. در هر گزینه زیر بیتی از حافظ، بیتی از سعدی آمده است. در کدام گزینه سرقت ادبی بیان شده توصیف دقیقی از ارتباط دو بیت ارائه می‌دهد؟

- (۱) غیر از این نکته که حافظ ز تو ناخشنود است / در سراپای وجودت هنری نیست که نیست در سراپای وجودت هنری نیست که نیست / عیب آن است که بر بنده نمی‌بخشایی (نقل)
- (۲) رحم کن بر من مسکین و به فریادم رس / تا به خاک در آصف نرسد فریادم
- (۳) هیچ شک نیست که فریاد من آنجا برسد / عجب ار صاحب دیوان نرسد فریادم (نقل)
- (۴) بعد صد سال اگر بر سر خاکم گذری / سر بر آرد ز گلم رقص کنان عظم رمیم
- (۵) مرده از خاک لحد رقص کنان برخیزد / گر تو بالای عظامش گذری و هی رمیم (سلخ)
- (۶) هر چند بردی آبم روی از درت نتابم / جور از حبیب خوش تر کم مدعی رعایت
- (۷) بیداد تو عدل است و جفای تو کرامت / دشنام تو خوش تر که ز بیگانه دعایی (سلخ)

۶۳. کدام گزینه دربارهٔ حکایت‌های فرعی باب «شیر و گاو» نادرست است؟

- (۱) داستان «زاغ و گرگ و شگال و شیر و شتر» را شنزبه برای دمنه تعریف می‌کند تا نشان دهد اتحاد دشمنان مکار به پیروزی‌شان می‌انجامد.
- (۲) داستان «طیطوی و وکیل دریا» را دمنه برای شنزبه تعریف می‌کند تا به او هشدار دهد که نباید دشمن را خوار شمرد.
- (۳) داستان «بوزنگان و کرم شبتاب» را کلیله برای دمنه تعریف می‌کند تا بر بی‌فایده بودن فریبکاری تأکید کند.
- (۴) داستان «روباهی که در بیشه طبلی دید» را دمنه برای شیر تعریف می‌کند تا ترس او را از صدای شنزبه کم کند.

۶۴. در کدام گزینه حذف شناسه وجود ندارد؟

- (۱) شیر را آزمودم و اندازه زور و قدرت او معلوم کرد و رای و مکیدت او بدانست.
- (۲) ترا گرمی کرد و عزیز و محترم و سرور و محتشم گردانید چنانکه در ظل دولت او دست در کمر مردان زدی و پای بر فرق آسمان نهاد.
- (۳) مادت معیشت من آن بود که هرروز یگان یگان ماهی می گرفتمی و بدان روزگار کرانه می کرد و مرا بدان سد رمقی حاصل می بود.
- (۴) آن را در چشم و دل وی آراسته گردانم و در تقریر فواید و منافع آن مبالغت نمایم تا شادی او بمتانت رای و رزانت عقل خویش بیفزاید.

۶۵. معنای «شکستن» در کدام گزینه مشابه عبارت زیر است؟

- «و امروز ملک را از گوشت من سد رمقی حاصل تواند بود، مرا بشکند.»
- (۱) شکست او به تنها تن آن لشکرش / به خنجر جدا کرد گوش از سرش
 - (۲) شیرت شکند میان بیشه / در آتش جنگ و کین همیشه
 - (۳) لفظ تو قیمت شکر شکند / جود تو قاعده زر شکند
 - (۴) سهل باشد که باسان شکند شیر ژیان / گردن گورخران گر ده و گر صد باشند

۶۶. توضیح مقابل کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) پادشاه را در همه معانی خاصه در اقامت حدود و در امضای ابواب سیاست تأمل و تثبت واجب است: بر پادشاه واجب است که در تمام امور، خصوصاً در اجرای حدود شرعی و مجازات درنگ و تأنی کند.
- (۲) چندان نعمت و غنیت ندهد که بزودی توانگر شوند و هوس فضول بخاطر ایشان راه جوید: آن قدر بخشش نکنند که به سرعت ثروتمند شوند و میل به تجسس به ذهن ایشان خطور کند.
- (۳) پیش از آنکه خصم فرصت چاشت بیابد برای او شامی گواران سازد: پیش از آنکه دشمن فرصت اقدام علیه او را داشته باشد، او با دشمن مصالحه کند.
- (۴) فراغ دل و صلاح کار شیر در آن است چه در ایثار او افراط کرده است: آسودگی خاطر و صلاح کار شیر در آن است؛ زیرا در فداکاری برای او زیاده روی کرده است.

۶۷. توضیح مقابل کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) انگار که به ملک نزدیک شدی، بچه وسیلت منظور گردی؟ (در این عبارت، دو جمله دیده می شود)
- (۲) اشتر این دم چون شکر بخورد و ملاطفتی نمود. («این دم» مفعول است)
- (۳) اشتر شاد شد و در آن بیشه بود. (در این جمله دو فعل اسنادی دیده می شود)
- (۴) عزیمت را بتقویت رای پیر و تایید بخت جوان بامضا رسانیده شود. («را» برای ساختن متمم قیدی به کار رفته است)

۶۸. با توجه به سبک نثر نصرالله منشی، کدام یک نمی تواند از کلیله و دمنه او باشد؟

- ۱) کار سلطان بابت دو کس باشد: یکی مکاری مقتحم که عرض خویش به اقتحام حاصل کند و به مکر و شعوذه مسلم ماند، و دیگر غافل ضعیف که بر خواری کشیدن خو دارد و به هیچ تأویل منظور و محترم و مطاع و مکرّم نگردد که در معرض حسد و عداوت افتد.
- ۲) زاغی کبگی را دید که می رفت. خرامیدن او در چشم او خوش آمد و از تناسب حرکات و چستی اطراف او آرزو برد... در جمله خواست که آن را بیاموزد. یکچندی کوشید و بر اثر کبگ پوئید. آن را نیاموخت و رفتار خویش فراموش کرد. چنان که به هیچ تأویل بدان رجوع ممکن نگشت.
- ۳) شبی او را مهمانی رسید. چون از شام برداختند، زاهد پرسید که از کجا می آئی و قصد کجا می داری؟ او مردی بود جهان گشته و گرم و سرد روزگار چشیده. درآمد و هرچه از اعاجیب عالم پیش چشم داشت، باز می گفت و زاهد در اثنای مفاوضت او هر ساعت دست بر هم می زد تا موشان را برماند.
- ۴) امام آن بقعه نظیف و رقعه شریف در اثنای موعظه بود و بر صدر منبر متکی و از ناهمواری اهل بدعت مشتکی. آتش دعوی می افروخت و خود را چون طاووس بر نظارگیان می فروخت. پس چون از آتش سخن بتفسید و از جاده آزرم بچفسید، منبر دعوی برتر نهاد و زبان جاری بگشاد.

۶۹. با توجه به بخش منتخب از جوامع الحکایات، کدام گزینه درست نیست؟

- ۱) گاهی تأویلی منطقی از کرامات عارفان ارائه می شود.
- ۲) گاهی تأویلی منطقی از شگفتی های اسطوره ای ارائه می شود.
- ۳) گاهی در آغاز حکایت، مقدمه ای ذکر می شود.
- ۴) گاهی در پایان حکایت، نکات تعلیمی آن بیان می شود.

۷۰. در کدام گزینه واژه یا عبارت مشخص شده اصطلاحی فلسفی است؟

- ۱) عالم را آفریدگاری است مجازی کریم و مکافی رحیم.
- ۲) همه بالغ شوند و قوت گیرند و او را از ایشان تکثر و منعه باشد.
- ۳) حرکات افلاک و کواکب وابسته به چیزی دیگر نیست و اگر نه تسلسل لازم آید.
- ۴) عالم از حلیت بقا و نسل عاری می ماند و نظم انساب گسسته می شود.

۷۱. در کدام گزینه واژه های معطوف به هم مترادف نیستند؟

- ۱) اهالی آن خطه در معابد و هیاکل جمعیتی کرده بودند.
- ۲) نقیر و قطمیر اعمال خلاق بر وی پوشیده نیست.
- ۳) از صیاح و نقیر ایشان اوراد و اذکار بر حکمای عهد مشوش شد.
- ۴) صلاح در آن است که اعتماد بر عصمت و حفظ حق تعالی کنیم.

۷۲. در کدام گزینه کاربرد «ی» در پایان فعل متفاوت است؟

- (۱) عادت ایشان آن بود که کاروان چون به نزدیک مکه رسیدی، شتری را بیاراستندی و یکی از معارف بفرستادندی تا بشارت قدوم کاروان دهد.
- (۲) هرگاه که به بالای خانه برآمدندی، ماری سیاه عظیم بر ایشان حمله آوردی و دهن باز کردی.
- (۳) خدیجه دختر خویلد خوابی دیده بود که ماه از آسمان در کنار او افتادی و به هفت پاره شدی.
- (۴) به مجاهدت مشغول شد و کار وی به جایی انجامید که بر هر بیماری که بدمیدی در حال شفا یافتی.

۷۳. در کدام گزینه فاعل با «را» نیامده است؟

- (۱) در کوهی جماعتی بودند از زهاد و عباد که ایشان را از عالم کرانه گرفته بودند.
- (۲) هرکس خواست تا آن شرف ایشان را باشد و سنگ او را به جایگاه نهد.
- (۳) کس را بر آن کار اقدام نمی‌یارت نمود.
- (۴) او را به جهت دفع مفسدان آلت حرب می‌بایست.

۷۴. مفهوم کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

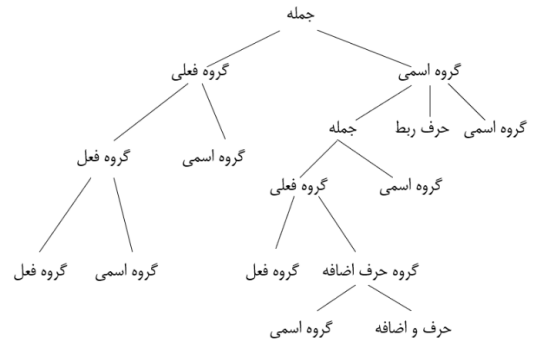
- (۱) هر پادشاهی که به جای وی بنشست در آن زیادت تکلف فرمود تا به حدی رسید که جمله مقومان از تقویم او عاجز آمدند: هر پادشاهی به آن (درفش کاویان) گوهری می‌افزود تا جایی که کسی را توان بلند کردن آن درفش نبود.
- (۲) جمشید چون حرب را مستعد نبود به ضرورت به ذیل فرار تمسک نمود: جمشید چاره‌ای جز فرار ندید چون آماده جنگ نبود.
- (۳) آن چندان ربح ایشان را به سبب امثال اشارت مصطفی حاصل آمد: به فرمان پیامبر، سود بیشتری برای آن تجارت حاصل شد.
- (۴) رواتب ادرار سحاب مدرار از آسمان منقطع شد: روزی مقرر آنها که وابسته به باران بود قطع شد.

۷۵. در کدام گزینه، واج‌نگاری جمله فارسی کاملاً بدون غلط است؟ (بر اساس کتاب ساخت زبان فارسی)

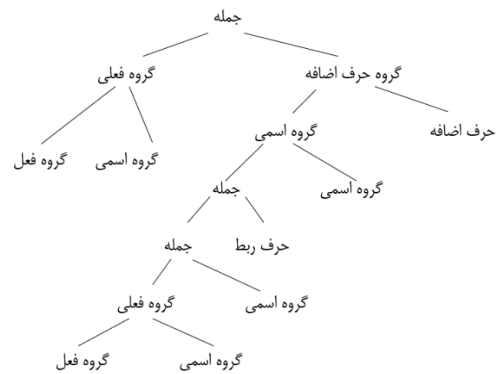
- (۱) مدتی‌ست که از این خانه استفاده‌ای نشده است.
/moddatist ke ?azin xâne ?estefâdei našode ?ast/
- (۲) حرف زیادی برای گفتن نداشت.
/harfe ziâdi barâye goftan nadâst/
- (۳) ستاره‌های درخشان شب را روشن‌تر از روز کردند.
/setârehâye deraxšân šab râ rowšantaraz ruz kardand/
- (۴) دیروز به بیماری سختی دچار شدم.
/diruz be bimâriye saxti dochâr šodam/

۷۶. کدام گزینه نمودار نحوی جمله زیر را به بهترین شکل نشان می‌دهد؟
 «از کسانی که کتاب نمی‌خوانند بپرهیزید.»

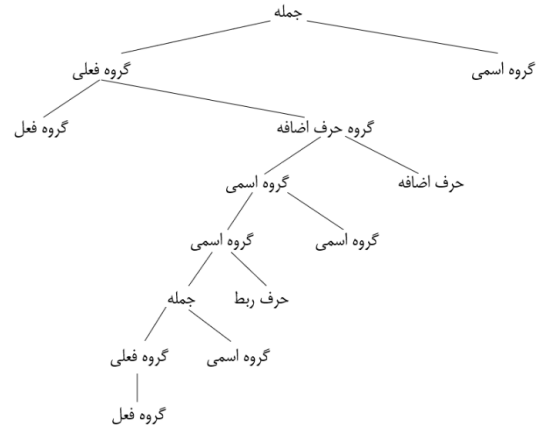
(۱)



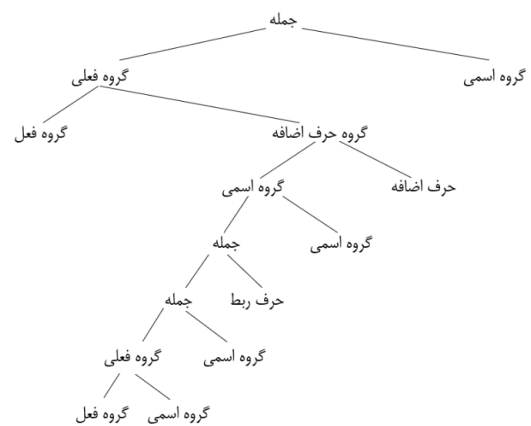
(۲)



(۳)



(۴)



۷۷. موارد زیر همگی نمونه‌هایی از فرایند واجی همگونی همخوان‌ها هستند. با توجه به این نمونه‌ها، کدام قاعده درباره فرایند همگونی به شکلی عام‌تر صادق است؟

- اجتماع /?eštemâ/

- مقصد /maxsad/

- صدا /sattâ/

- (۱) مشخصه [+ واک] اگر پس از واکه قرار بگیرد، [- واک] می‌شود.
- (۲) مشخصه [+ سایشی] اگر پیش از همخوان سایشی قرار بگیرد، [+ انسدادی] می‌شود.
- (۳) مشخصه [+ انسدادی] اگر پیش از همخوان سایشی قرار بگیرد، [+ سایشی] می‌شود.
- (۴) مشخصه [+ واک] اگر پیش از همخوان بی‌واک قرار بگیرد، [- واک] می‌شود.

۷۸. در کدام گزینه، اجزای واژه مرکب رابطه نحوی متفاوتی در زیرساخت دارند؟

- (۱) این روزها جامعه شاعرپسند شده است و دیگر نویسندگان محبوبیتی ندارند.
- (۲) هزاران هوادار از نتایج این تیم ناامید شده‌اند.
- (۳) هر جا یک قطعه موسیقی می‌شنویم امروزی و جوان‌پسند است.
- (۴) اگر دلداری نباشد، نمی‌توان روزگار را گذراند.

۷۹. یکی از وجوه تمایز وندهای تصریفی و اشتقاقی آن است که عموماً وند اشتقاقی، نسبت به وند تصریفی، به ستاک نزدیک‌تر است؛ یعنی پس از ریشه واژگانی، ابتدا وند اشتقاقی به آن اتصال می‌یابد و واژه‌سازی صورت می‌گیرد، سپس وند تصریفی به آن اضافه می‌شود. کدام یک از مثال‌های زیر از زبان فارسی، این قاعده را نقض می‌کند؟

- (۱) برتری
- (۲) بنده‌وار
- (۳) سرسپردگی
- (۴) سازگاران

۸۰. فروغ فرخزاد در بسیاری از شعرهای دوره دوم خود در قید یک بحر عروضی نمانده و گاهی دو

یا چند بحر یا وزن و بی وزنی را در هم می آمیزد. در کدام گزینه این خصیصه مشاهده می شود؟

(۱) و بر این بام که هر لحظه در او بیم فروریختن است / ابرها همچون انبوه عزاداران / لحظه باریدن را گویی منتظرند

(۲) از لحظه ای که بچه ها توانستند / بر روی تخته حرف «سنگ» را بنویسند / و سارهای سراسیمه از درخت کهنسال پر زدند

(۳) او وحشیانه آزاد است / مانند یک غریزه سالم / در عمق یک جزیره نامسکون / او پاک می کند / با پاره های خیمه مجنون / از کفش خود غبار خیابان را

(۴) آن ریشه های عطر / در اجتماع ساکت و محبوب نرگس های صحرایی / که شهر را در آخرین صبح زمستانی / دیدار می کردند

۸۱. با توجه به شعرهای نقل شده کدام یک از توضیحات و تعبیر نمی تواند صحیح باشد؟

(۱) شب، با گلوی خونین، خوانده است دیرگاه / دریا، نشسته سرد / یک شاخه در سیاهی جنگل / به سوی نور / فریاد می کشد: سه تصویر از افق سرخ و دریای آرام و جنگل سیاه مثلث تصویری شعر را شکل داده اند که در سطحی رمزی و نمادین به هم مرتبط اند. «شب» را می توان رمزی از «سرزمین»، «دریا» را رمزی از «امواج حرکت مردمی» و «شاخه» را «انسان مبارز یا آگاه» دانست.

(۲) آنک من ام / میخ صلیب از کفِ دستان به دندان برکنده / آنک من ام / پا بر صلیب بازگون نهاده / با قامتی به بلندی فریاد: شاعر خود را در هیئت عیسی (ع) تصویر می کند؛ گویی او نیز به خیانت یهوداییان گرفتار و عقوبت شده و سرنوشتی عیسی وار یافته است.

(۳) آنچه به دید می آید و آنچه به دیده می گذرد. / آنجا که سپاهیان / مشق قتال می کنند / گستره چمنی می تواند باشد / و کودکان / رنگین کمانی / رقصنده و / پرفریاد: از تقابل میان «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» سخن می گوید؛ چشم اندازی که امروز میدان جنگ و ویرانی است، می توانست عرصه امید و زیبایی باشد.

(۴) چه بگویم؟ سخنی نیست / می وزد از سر امید نسیمی / لیک تا زمزمه ای ساز کند / در همه خلوت صحرا / به رهش / نارونی نیست: نسیم به امید ساز کردن زمزمه ای می وزد اما نارونی در راه نیست تا مخاطب این زمزمه باشد. به قرینه سطر نخست می توان گفت شاعر نیز همچون این نسیم مخاطبی برای خود نمی بیند تا با او سخن بگوید.

۸۲. کدام یک از موارد زیر (از شعر احمد شاملو) به مفهوم عبارت «و به حجمی خط خشک زمان را

آبستن کردن» (از فروغ فرخزاد) نزدیک تر است؟

(۱) فریادی و دیگر هیچ / چرا که امید آنچنان توانا نیست / که پا بر سر یأس بتواند نهاد

(۲) پرتیش تر از دل دریا / من موج را سرودی کردم

(۳) ما رقصیده ایم / ما تا مرزهای خستگی رقصیده ایم

(۴) میان خورشیدهای همیشه زیبایی تو لنگری ست

۸۳. برخی از منتقدان چون «رضا براهنی» معتقدند در فرخزاد یک من وجود دارد که حاکم بر همه چیز است. این من یک «من تغزلی» است که گاهی سر از اجتماع در می آورد. در همه اشعار زیر از فروغ، دستکم در بخش‌هایی از شعر، این من سر از اجتماع در آورده است، به جز ...

(۱) جمعه

(۲) آیه‌های زمینی

(۳) تنها صداست که می ماند

(۴) کسی که مثل هیچکس نیست

۸۴. کدام یک از پاره‌های شعری زیر بر دغدغه متفاوتی دلالت دارد؟

- (۱) و راه‌ها ادامه‌ی خود را/ در تیرگی رها کردند/ دیگر کسی به عشق نیندیشید/ دیگر کسی به فتح نیندیشید/ و هیچ‌کس/ دیگر به هیچ چیز نیندیشید
- (۲) پس این پیادگان که جسورانه/ بر نیزه‌های چوبی خود تکیه داده‌اند/ آن بادپا سوارانند؟/ و این خمیدگان لاغر افیونی/ آن عارفان پاک بلنداندیش؟
- (۳) آن روزها رفتند/ آن روزهای جذبه و حیرت/ آن روزهای خواب و بیداری/ آن روزها هر سایه رازی داشت/ هر جعبه‌ی سربسته گنجی را نهان می کرد
- (۴) - قهرمانی‌ها؟ - آه اسب‌ها پیرند - عشق؟ - تنهاست و از پنجره‌ای کوتاه/ به بیابان‌های بی‌مجنون می نگرد

۸۵. همه گزاره‌های زیر درباره شعر فروغ فرخزاد صحیح است، به جز ...

- (۱) فروغ در اغلب اشعارش، و برخلاف گرایش رایج زمانه‌اش، در موضع روشنفکری آگاه که می خواهد توده‌ها را هدایت کند، نمی ایستد؛ بلکه راوی شعر او گویی خود یکی از این توده است که نه به پایین، که به پیرامون خود می نگرد.
- (۲) شعر فرخزاد دو نطفه و محور اصلی و حیاتی دارد که گویی دو روی یک سکه‌اند؛ یک سو، «عشق» و در سوی دیگر سکه، «مرگ» یا «ویرانی»؛ و گویی عشق در راوی شعر او زاده همین احساس جاری بودن مرگ و ویرانی در هر چیز است.
- (۳) در اغلب اشعار فروغ شاهد توجه به تصاویر و مفاهیم عینی به جای مفاهیم ذهنی و کلی هستیم؛ مسیری که می توان آن را ادامه منطقی تلاش نیما برای حرکت به سمت شعر وصفی تفسیر کرد.
- (۴) در اغلب اشعار فروغ، از نخستین دفتر تا آخرین اشعار، می توان حدیث نفس و خودسرایی شعری را مشاهده کرد، هر چند شکل بیان این خودسرایی از نیمه راه دچار تحولی شگرف می شود.

۸۶. سطرهای زیر همگی از «شاملو» انتخاب شده‌اند. در کدام گزینه توضیح ذکر شده صحیح

نیست؟

- (۱) آیا درون هر دیوار/ سعادت هست.../ که چشم‌اندازها/ از این گونه/ مشبک است: تصویری است از تباهی هر چشم‌انداز و محیط پیرامون شاعر.
- (۲) اینک محراب مذهب جاودانی که در آن/ عابد و معبود و عبادت و معبد/ جلوه‌ای یکسان دارند/ بنده پرستش خدای می‌کند/ هم از آنگونه که خدای بنده را: تصویری است از عشق زمینی و عشق انسان به انسان.
- (۳) به هنگامی که ده/ در دو جانب آبِ خنیاگر/ به خوابِ شبانه فرومی‌شد: تصویری است از دهی که رودی از میان آن می‌گذرد.
- (۴) و مخملِ شالیزار.../ رنگ‌هایش را به قهر و آشتی/ از شبِ بی‌حوصله/ بازستاند: تصویری است از فرارسیدن تدریجی روز در شالیزار.

۸۷. در سنت شعر نیمایی دایره‌ای بسته از نمادها وجود دارد که در اشعار شاعران مختلف تکرار می‌شوند؛ نمادهایی چون شب، صبح یا خورشید، باران، خروس و امثال آن. در کدام گزینه کلمه مشخص شده لزوماً کاربردی نمادین ندارد؟

- (۱) تمامی نیروها پیوستن است، پیوستن/ به اصل روشن خورشید
- (۲) آهای! این خونِ صبح‌گاه است گویی به سنگفرش/ کاین گونه می‌تپد دلِ خورشید/ در قطره‌های آن
- (۳) به ایوان می‌روم و انگشتانم را/ بر پوست کشیده شب می‌کشم/ چراغ‌های رابطه تاریک‌اند...
- (۴) نه هرگز شب را باور نکردم/ چرا که در فراسوهای دهلیزش/ به امیدِ دریچه‌ای دل بسته بودم نهایت

۸۸. شاملو در هریک از موارد زیر دست به آفرینش واژه‌های تازه و بی‌سابقه زده است، به جز ...

- (۱) پیازینه پوست‌وار حصار/ که با خلوت خویش چون به خالی بنشینم/ هفت دربازه فراز آید
- (۲) در فرصتِ میان ستاره‌ها/ شلنگ‌انداز/ رقصی می‌کنم/ دیوانه به تماشای من بیا
- (۳) بی‌آنکه از شبِ ناآشتی/ داغ سیاهی بر جگر نهاده باشم
- (۴) در این سراپچه آیا/ زورق تشنگی‌ست/ آنچه مرا به سوی شما می‌راند

۸۹. در گزینه‌های زیر، طلوع خورشید با سبک کلی چهار نویسنده (هدایت، چوبک، معروفی،**بیضایی) توصیف شده است. کدام گزینه به قلم هدایت نزدیک‌تر است؟**

(۱) هور آتشین از پس کوه‌های تفسیده سر بر می‌آورد، نه چون نویدی بر گشایش، که چون شاهدهی بر تزویر ما در این کاروانسرای متروک. این سپیده، نه پایان شب، که آغاز داوری است؛ نوری بی‌رحم که بر پیکر تاریخ می‌تابد تا بگوید خورشید بر شاه و گدا یکسان می‌دمد، اما سایه‌ی بلند خیانت را در پیشگاه حقیقت کوتاهی نیست. هان! چشم بگشاید که هور از آستانه شرق می‌گذرد تا پرده از این نمایش پرفریب برکشد و ما را در آیینۀ روز، با آنچه کردیم و آنچه نکردیم، تنها بگذارد.

(۲) خورشید مثل یک دمل چرکی از پشت کوه‌های سیاه بیرون زد. نور بی‌رمقش روی دیوارهای نمور اتاق می‌لرزید و سایه‌های دراز و کج و معوجی روی زمین می‌انداخت که انگار می‌خواستند گلویم را فشار بدهند. در این سپیدی زنده، هیچ خبری از سرور نبود؛ فقط یادآور تقدیر شومی بود که باز هم مرا به بیداری و رویارویی با دنیایی محکوم می‌کرد که از آن بیزار بودم.

(۳) آفتاب بی‌حیا مثل یک تشنه مسی داغ از افق بالا آمد و گرمایش را توی صورت مرد کوبید. زمین تفتیده شروع کرد به بخار کردن همه چیز. بوی شرجی و ماهی‌گندیده فضا را پر کرد. خورشید با غیظ می‌تابید تا پوست تن آدم‌ها را کباب کند و عرق از سر و رویشان سرازیر شود. انگار آسمان می‌خواست با تمام زورش، سختی زندگی را به رخ آن‌ها بکشد.

(۴) نور مثل یک گل سرخ در رگ‌های آسمان می‌دوید و آرام‌آرام بیدار می‌شد. خورشید نه از افق، از عمق خاطرهای دور در آینه می‌دمید. زمان لای سپیدی ابرها گم می‌شد و آن همراه همیشگی خوابیده بود. خورشید با طمأنینه بالا می‌آمد تا خواب‌های پریشان ما را به بیداری پیوند بزند و عطر یاس‌های خیس، تمام فضا را از بوی گذشته پر کند.

۹۰. کدام گزینه درباره کنشگری قهرمانان دو داستان تنگسیر و «داش آکل» درست است؟

(۱) هر دو قهرمان وابسته به مناسبات سنتی جامعه خود هستند و مایل‌اند مانند افراد دیگر محیط خود، کنشگری کنند.

(۲) داش آکل بنابر انگیزه‌های زمینی با ساختارهای پوسیده فرهنگی مبارزه می‌کند؛ اما زارمحمد به‌واسطه خواب‌هایی که می‌بیند، تحت تأثیر نیروی ماورائی است.

(۳) زارمحمد بر اساس اصول مذهبی برای برقراری عدالت می‌جنگد؛ اما داش آکل فردی تقدیرگرا است که تسلیم سرنوشت محتوم خود می‌شود.

(۴) کنشگری زارمحمد محصول بی‌عدالتی حکومت و برای انتقامی شخصی است؛ اما داش آکل کشمکش‌ی روانشناختی بین تمایلات شخصی و تعهد به دیگری دارد.

۹۱. کدام یک از کارگردانان زیر، داستان «داش آکل» هدایت را به تصویر کشیده است؟

(۱) ناصر تقوایی

(۲) داریوش مهرجویی

(۳) مسعود کیمیایی

(۴) بهمن فرمان‌آرا

۹۲. در کدام گزینه شگرد روایی پاره‌متن زیر آمده است؟

«کی بود؟» «چه شده؟» «یه نفر را کشتن.» «کدوم طرف دررفت؟» «اون طرف.» «من چیزی ندیدم همین حالا رسیدم.» «تو چیزی ندیدی؟» «نه» «بدوین بگیرینش» «آخر محمد تنگسیر کار خودش را کرد. خودم دیدمش گفت حالا ببین چطور وختی آتش گرفتی بو لته کهنه ازت میاد. از همین راه رفت.» «بس کن!» «خفه خون بگیر» «آخرش پدرش درآورد.»

(۱) پلی‌لوگ

(۲) مونولوگ

(۳) دیالوگ

(۴) روایت ذهنی

۹۳. گزینه‌های زیر از رمان تنگسیر انتخاب شده‌اند. کدام یک رگه‌های بارزتری از ناتورالیسم ادبی

دارد؟

(۱) محمد مهار را یک هوا به جلو می‌راند. دستش زیر پوزه گاو بود و زیر لب او را با دست به طرف جلو هل می‌داد و نمی‌خواست مهار را بکشد و می‌دانست زخمش تازه و دردناک است و می‌خواست که فقط گاو حس کند که مهار شده و مقاومت نکند و می‌دانست که گاو حس می‌کند که مهار شده است.

(۲) آسید محمدعلی کازرونی تو اتاق مجلسی خانه‌اش رو تشکچه نشسته بود و با محمد گنده رجب حرف می‌زد. سید آدم خرد و لاغر و گندم‌گونی بود که ریش بزی و قپ‌های توخالی و پوک داشت. او هم حاکم شرع بود. محمد گنده رجب دلال محاضر بود. هر جا بو معامله‌ای بلند می‌شد، سر و کله او هم پیدا بود. پیرمردی بود با ریش بلند سفید و چهره زشت، و خیلی بددهن. وقتی که محمد آمد تو اتاق، آنها خیلی آهسته و توگوشی با هم حرف می‌زدند. چشمان هر دو با هم به محمد افتاد و حرفشان تو دهنشان خشکید.

(۳) نوک سیم را از تو دیواره میان دو تا سوراخ بینی او رد کرد. گاو غلتی زد و خودش را رو زمین کشانید. محمد پیرید رو گردنش نشست. هنوز مهار درست جا نیفتاده بود. خون از بینی گاو بیرون زد. دو سر سیم را از بیرون به هم سفت پیچید. انگشتان گنده و بی‌رحمش رو بینی و تو خون ولرم گاو بازی می‌کرد. سیم مانند موم تو دستش شکل می‌گرفت. آن وقت یک سر طناب را به مهار بست. خون پیشانی ورزاقاتی خون بینی‌اش شده بود.

(۴) از در خانه سید محمدعلی کازرونی بیرون آمد. اینجا جمعیت از جلو خانه ابوتراب زیادتر بود. آستانه در از کف کوچه دو پله بلندتر بود. محمد رو پله اولی ایستاد و به مردم نگاه کرد و جمعیت را دید زد. لبخند تو چهره‌اش بازی می‌کرد، همان لبخند بویناک. اما از دیدن آنها همه آدم دلخور شد. با دست به جمعیت اشاره کرد که پس بروند که می‌خواهد رد بشود و اگر کسی دست از پا خطا کند خونسش فرش کوچه خواهد شد و جنب و جوشی در مردم افتاد.

۹۴. در نمایشنامه مرگ یزدگرد تمهیدی نمایشی وجود دارد که در آن شخصیت‌ها در خلال نمایش، نمایشی دیگر را هم اجرا می‌کنند. کدام شخصیت‌های مرگ یزدگرد این نمایش دوم را بازی می‌کنند؟

- (۱) سرکرده، سردار، موبد
- (۲) آسیابان، زن، دختر
- (۳) زن، موبد، سردار
- (۴) زن، دختر، یزدگرد

۹۵. داستان مرگ یزدگرد مشابه کدام دسته از داستان‌های زیر است؟

- (۱) داستان‌های ابزورد که بی‌معنا بودن و پوچی زندگی را القا می‌کنند.
- (۲) داستان‌های پلیسی که در آنها عده‌ای در جستجوی قاتل و حقیقت هستند.
- (۳) داستان‌های اسطوره‌ای که در آنها پیشینه مشترک یک ملت مطرح می‌شود.
- (۴) داستان‌های حماسی که قهرمانی‌های شخصیت اصلی موضوع آن‌ها است.

۹۶. در کدام گزینه، نوعی نقد اجتماعی مستقیم به یزدگرد دیده می‌شود؟

- (۱) موبد: تکاپو مکن، دست و پا مزن، ای گجسته زندگی. رای ما دیگرگون نمی‌شود. نشنیدی که دار برپا شده؟ زن: [نومید برمی‌گردد] چرا کوششی را که می‌توانم نکنم؟ آزادگی به تنت مهمان نشود، ای سردار، که مرگ بی‌زمانه به خانه ما آوردی. سرکرده: [سرگشته] اینک که سرزمین فراخ آیین نو می‌کند، چونان همیشه توانگران می‌رهند و ناتوانان در بندند؛ تو چرا نگریختی؟
- (۲) دختر: [هراسان] می‌گوید نشنیدن فرمان پادشاه پیکار با مزدا اهورا است. آسیابان: آری، هیچ کس در سراسر ایران زمین از فرمان شاه شاهان سر نیچیده. زن: راستی؟ خوشم آمد. اگر چنین است به این سپاه تازیان بفرما بازگردد! آسیابان: ریشخند می‌کنی؟ زن: در تیسفون فرمان تو فرمان بود، نه اینجا!
- (۳) زن: دشمن تو این سپاه نیست، پادشاه. دشمن را تو خود پرورده‌ای. دشمن تو پریشانی مردمان است؛ ورنه از یک مشت ایشان چه می‌آمد؟ موبد: بسیار آتشکده‌ها که هنوز برجاست. مردمان را باید به گفتار گرم آیین ستیز آموخت. زن: پر نگو موبد؛ در مردمان به تو باور نیست از بس که ستم دیده‌اند.
- (۴) زن: [با چهرک زرا] ای تو ابلهی، ای تو ساده‌دل، سالیان سال در این بیابان آسیا چرخانده‌ای با نان جوین و با خرما خشک؛ آیا در تو نیروی کین‌ستانی نیست؟ آیا من نیستم پادشاه تو و هم دشمن تو؟ تو کاخ مرا در تیسفون ندیده‌ای؟ ما بر حصیر نمی‌خسبیم. تو فرش نگارستان ما را ندیده‌ای.

۹۷. کدام گزینه درباره دو داستان «یک گل سرخ» و «موری» نادرست است؟

- (۱) کشمکش میان شخصیت‌ها در «یک گل سرخ» به‌طور تصادفی به پایان می‌رسد؛ ولی در «موری» کشمکش داستان در پایان حل نمی‌شود.
- (۲) داستان «یک گل سرخ» جنبه عاشقانه دارد و «موری» داستانی اجتماعی است.
- (۳) داستان «یک گل سرخ» رئالیستی و داستان «موری» سوررئالیستی است.
- (۴) راوی و شخصیت اصلی در داستان «یک گل سرخ» یک نفر است؛ ولی راوی «موری» شخصیت اصلی نیست.

۹۸. عبارت زیر از یکی از شرح‌های قدیمی ابیات *کلیله و دمنه* انتخاب شده است که آن را **فضل الله اسفزاری** در قرن هفتم هجری تألیف کرده است. کدام بیت مربوط به این شرح است؟
 «در مصرع اول مجمل یاد کرد که مراتب مهتری و مناصب سروری، سرسری نتوان یافت... پس در مصرع دوم علی سبیل التفصیل پیدا کرد که بدان سیادت چه خواسته‌ام و آن سخاوت و شجاعت است که سبب سیادت و نتیجه سعادت می‌گردد.»

- ۱) لولا المشقة ساد الناس كلهم / الجود يفرق و الاقدام قتال
- ۲) اذا هم ألقى بين عينيه عزمه / و نكب عن ذكر العواقب جانبا
- ۳) فما كان مفراحا اذا الخير مسه / و لا كان منانا اذا هو انعما
- ۴) و وضع الندى في موضع السيف بالعلی / مضر كوضع السيف في موضع الندى

۹۹. در کدام گزینه نقش نحوی کلمه مشخص شده درست است؟

- ۱) لا یسلم الشرف الرفیع من الاذی / حتی یراق علی جوانبه الدم (خبر)
- ۲) فذاک قریع الدهر ماعاش حوّل / اذا سدّ منه منخر جاش منخر (مفعول)
- ۳) ولكن اخو الحزم الذی لیس نازلا / به الخطب الا و هو للقصص مبصر (خبر)
- ۴) شئز جنبی کآنی مهذاً / جعل القین علی الدفّ یر (مفعول)

۱۰۰. کدام عبارت یک بیت کامل است؟

- ۱) و اشجار سرو قد تمیس کاین مشت
- ۲) فإن ابک لا اشفی الغلیل و إن ادع
- ۳) و اذا انتهیت الی السلامة فی مداک فلا تجاوز
- ۴) إنکن اذا جعتن دقعتن و اذا شبعتن خجلتن